

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۸ مارچ ۲۰۲۲

## اخراج، رایجترین پاسخ کارفرما به کارگران معترض

رشد و گسترش اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران یکی از مشخصه‌های اوضاع و احوال کنونی است. این در شرایطی است که سرمایه‌داران زالوصفت به شکل‌های مختلف می‌کوشند اعتراضات کارگران را سرکوب و آنها را مجبور به ادامه کار تحت شرایط استثمارگرانه‌ی مورد نظر و دلخواه خود بکنند. به همین دلیل جدا از تهدید و تطمیع و بگير و ببند و پرونده‌سازی که از روش‌های شناخته شده و همیشگی کارفرمایان می‌باشد، این سرمایه‌داران زالوصفت برای خاموش کردن صدای اعتراض کارگران وسیعا به ترفند اخراج آنها متوسل می‌شوند به اخراج کارگرانی که برای حفظ بقا و شرافت خویش راهی جز اعتراض و مبارزه علیه وضع ظالمانه موجود ندارند.

یکی از نمونه‌های برجسته از اقدام به اخراج کارگران مربوط به اخراج دسته‌جمعی کارگران در تبریز پس از اعتصاب کارگران شرکت موتورن می‌باشد. کارگران شرکت موتورن در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۴۰۰ با خواست افزایش دست‌مزد و بستن قرارداد رسمی با خود شرکت و نه پیمانکار دست به اعتصاب زده بودند. ولی کارفرما بدون توجه به مطالبات بر حق کارگران پس از آن که کارگران به مدت ۹ روز همه رنج اعتصاب را به جان خریده بودند با آگاهی به این که هیچ قانونی در جمهوری اسلامی جلودار استثمار و حشیانه سرمایه‌داران نیست بی محابا ۷۰۰ کارگر اعتصابی را اخراج نمود.

از نمونه‌های دیگر اخراج کارگران در همین ماه‌ها می‌توان از اخراج کارگران شرکت نفت ایران (۲۱ بهمن ۱۴۹۹) در منطقه “جفیر” در منطقه مرزی شهر هویزه نام برد که با اعتراض کارگران مواجه شد. ولی عوامل کارفرما به کارگران معترض حمله کرده و برخی از آنها را مجروح نمودند. در مورد دیگر می‌توان به اخراج جمعی از نیروهای مخابرات استان اصفهان اشاره کرد. این نیروی تحت ستم به دلیل عدم رعایت طرح طبقه‌بندی مشاغل و معوقات حقوقی از شرکت شسکام به اداره کار شکایت کرده بودند! اما کارفرما به جای رسیدگی به خواست‌های آنها امکان ورود به شرکت را از آنها سلب نمود. این اقدامات سرکوب‌گرانه و کارگر ستیز را سرمایه‌داران با اطمینان از حمایت‌های آشکار و مخفی حکومت از اقدامات رذیلانه خود انجام می‌دهند که امروز دیگر در محیط‌های کار در ایران به یک رسم و حشیانه تبدیل شده است.

واقعیت این است که چماق اخراج در شرایطی که پیدا کردن شغل برای توده کارگر گرسنه و بی‌کار، خود با مشکلات متعددی همراه است همواره از سوی کارفرما در بالای سر کارگران نگهداشته می‌شود و به همین دلیل هم یکی از

رایج‌ترین روش‌های کارفرما در پاسخ به اعتراضات کارگری است. در جریان اعتراضات کارگری بارها شنیده شده که کارفرما با وقاحت تمام به کارگران معترض می‌گوید شرایط همین است که هست اگر نمی‌خواهید بروید جای دیگری کار پیدا کنید! و اضافه می‌کند که به راحتی شما را جایگزین می‌کنیم! روشن است که وجود میلیون‌ها کارگر بیکار یعنی ارتش ذخیره کار که خود، ذاتی سیستم گنبدیده سرمایه‌داری جهانی است که سرمایه‌داری در ایران هم جزئی ارگانیک از آن می‌باشد چنین شرایط و امکانی را برای سرمایه‌داران زالوصفت ایران به وجود آورده است. در این شرایط است که سرمایه‌دار نه تنها به راحتی دست به اخراج کارگران مبارز می‌زند بلکه با خیال راحت از میان خیل کارگران بیکار جویای کار، نیرو کار مورد نیاز خود را پیدا و با شرایط دل‌خواه، استخدام می‌کند؛ و درست در این شرایط و با وجود صفوف فشرده میلیون‌ها کارگر بیکار است که پیدا نمودن کار جدید برای کارگران چنان سخت گذشته است که بخشی از کارگران جهت اجتناب از اخراج و بیکاری به خیلی از خواست‌های کارفرما که خود جمهوری اسلامی هم آنها را غیرقانونی می‌نامد تن می‌دهند. امروز کارفرمایان بی‌شرم از حد بستن قراردادهای سفیدامضا هم با کارگران گذشته و به هنگام استخدام کارگر از او سفته می‌گیرند. اساسا وجود قراردادهای موقت، یکی از عواملی است که امر اخراج کارگران را برای بورژوازی دندان‌گرد ایران تسهیل نموده است. در نتیجه این قراردادهای امنیت شغلی کارگران لگدمال منافع کارفرماها شده و آنها با تحمیل قراردادهای یک ماهه و یا حتی سفید امضا، تمدید قرارداد را به تمکین کارگر نسبت به زیاده‌خواهی‌های کارفرما منوط می‌کنند. چنین اقداماتی از طرف کارفرما در ظاهر اخراج تلقی نمی‌شود بلکه عدم تمدید قرارداد اعلام می‌گردد. در حالی که با عدم تمدید قرارداد کارگر در عمل از کار بیکار شده یعنی اخراج می‌شود.

در رابطه با ترفند عدم تمدید قرارداد که در عمل معنایی جز بیکار کردن کارگر و اخراج او ندارد، جالب است بدانیم که به دنبال اخراج بیش از ۷۰۰ کارگر در شرکت موئوزن تبریز که یکی از بزرگترین کارخانه‌های سازنده الکتروموتورهای صنعتی می‌باشد و با ۳۵ سال سابقه فعالیت در منطقه صنعتی غرب تبریز بیش از هزار کارگر را در استخدام خود دارد، چون این اخراج دسته‌جمعی انعکاس وسیعی در تبریز و رسانه‌های جمهوری اسلامی پیدا کرده بود، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان شرقی فوراً به طور فریب‌کارانه با انتشار پیامی اعلام کرد که اخراجی در کار نبوده است بلکه چون مدت قرارداد این کارگران تا بهمن‌ماه بوده، پیمانکار طرف قرارداد شرکت، در نامه‌ای به کارگران اعلام می‌کند که کارگران جهت تمدید قرارداد به شرکت مراجعه کنند که این نامه به معنای اخراج تلقی شده است. در حالی که در واقعیت، در نامه شرکت پیمانکار به کارگران تاکید شده که تا پایان بهمن‌ماه با آنها تسویه حساب می‌شود و از شنبه ۳۰ بهمن‌ماه، کارگران اجازه ورود به شرکت را ندارند! روشن است که این اعلام فریب‌کارانه چه به دلیل عقب‌نشینی کارفرما باشد و چه برای آرام کردن جو نارضایتی مردمی از خبر اخراج ۷۰۰ کارگر در تبریز صورت گرفته باشد در این واقعیت که سرمایه‌داران حربه‌ی اخراج یا تعدیل و عدم تمدید قرارداد را چون چماقی بالای سر کارگران نگهداشته‌اند تعبیری ایجاد نمی‌کند.

حقیقت این است که در شرایط کنونی به دلیل بحران در سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران و وجود میلیون‌ها کارگر در جستجوی کار و همچنین پراکندگی صفوف کارگران و فقدان تشکل‌های مستقل کارگری و در شرایط عدم حضور یک سازمان سیاسی-نظامی انقلابی پشتیبان کارگران ایران، باعث به وجود آمدن چنان اوضاعی به نفع سرمایه‌داران گذشته که آنها به هر اقدام زدیلاننه و جنایت‌کارانه علیه کارگران دست می‌زنند. امروز سرمایه‌داران ایران آن‌قدر گستاخ و وقیح شده‌اند که حتی در مواردی که اداره کار در مورد اخراج کارگران به نفع کارگران حکم می‌دهد و خواهان بازگشت کارگران به کار می‌گردد این سرمایه‌داران از پذیرش حکم قانونی اداره کار سر باز می‌زنند. یک نمونه از چنین

مواردی در همین بهمن امسال اتفاق افتاد. آنجا که کارگران شرکتی مخابرات مسجد سلیمان اطلاع دادند با این که توسط هیات‌های تشخیص و حل اختلاف حکم بازگشت به کار گرفتند اما شرکت پیمانکار از بازگشت به کار آنها جلوگیری می‌کند. چون می‌داند که جمهوری اسلامی نهایتاً حافظ و حامی وی و هم طبقه‌ای‌های استثمارگرش می‌باشد و در نتیجه بدون هراس از هیچ گونه عواقبی، می‌توان چنین احکام و چنین قوانینی را نادیده گرفت.

همه واقعیات برشمرده در فوق نشان می‌دهند که در شرایطی که رژیم کارگرس‌تیز جمهوری اسلامی با همه قوا از سرمایه‌داران زالوصفت حمایت و پشتیبانی می‌کند و در شرایطی که کارگران به تجربه دیده‌اند که زیر سلطه دیکتاتوری این رژیم هیچ حقی از تعرض حکومت مصون نیست و در شرایطی که کمیت ارتش ذخیره کار به حدی است که انبوهی از کارگران بیکار در مقابل درب هر کارخانه صف می‌بندند و همچنین در شرایطی که گسترش بی اندازه قراردادهای موقت و فقدان سازمان‌یابی کارگران توازون قوا را شدیداً به ضرر طبقه کارگر نموده است، در چنین شرایطی واضح است که کارگران حتی برای تامین منافع صنفی خود نیز از قدرت لازم برخوردار نیستند. به همین دلیل در شرایط جامعه ما راه رسیدن به مطالبات بر حق طبقه کارگر از مسیر نابودی نظام ظالمانه سرمایه‌داری حاکم و سگ نگهبانش رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می‌گذرد. تنها مبارزه برای برپائی یک جامعه سوسیالیستی است که امکان رهائی کارگران را از ظلم سرمایه‌دار و استثمار فراهم می‌نماید.

به نقل از: ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران

شماره ۹۸ پانزدهم اسفندماه [حوت] ۱۴۰۰